



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۱۶ می سال ۲۰۲۲

طارق "ارسلائی"

بحث حجاب

اخیراً طالبان طی فرمانی حجاب را بر زنان اجباری نمودند. این فرمان طالبان عکس العمل شدید داخلی و بین المللی را در قبال داشت. بعضی حدسیات بر این است که شاید حامیان خارجی بظاهر دوست طالبان عمداً میخواهند تا طالبان هر چه بیشتر منزوی شوند تا به ایشان (حامیان خارجی) وابسته تر گردند. متأسفانه با بقدرت رسیدن دوباره طالبان هر روز فشار و محدودیت ها بالای زنان کشور بیشتر میگردد؛ آنهم در شرائطی که: حکومت طالبان تا هنوز برسمیت شناخته نشده است، نظارت و فشار جامعه جهانی بر طالبان وجود دارد، و پولهای افغانستان در بانکهای خارج منجمد گردیده است. تشویش از این است که اگر فشارها و تعزیزات بر طالبان رفع شود، شاید وضعیت زنان کشور از این هم بدتر شود. چنانیکه دیده میشود طالبان هیچ برنامه برای احیاء و بحرکت درآوردن دوباره نهاد های فلج و یا هم در هم شکسته کشور ندارند، و یگانه توجه شان وضع هر چه بیشتر محدودیت ها بالای زنان است.

بحث تاریخی حجاب:

تا جائیکه شواهد تاریخی نشان میدهد، حجاب و روپوشی مدتها قبل از اسلام به اشکال مختلف آن در میان جوامع بشری رائج بوده است. در دوران "اسوری ها" روپوشی یا "نقاب" از مظاهر اشرافیت بود و زنان بد کاره اجازه پوشیدن روپوشی را نداشتند؛ برای زنان طبقات پائین در صورت پوشیدن روپوشی جزا داده میشد. جامعه ساسانی ها استوار بر اصول "طبقاتی" بود و زنان طبقه اشراف مکلف به پوشیدن "نقاب" بودند. پوشیدن روپوشی نه تنها زن را از نظر طبقاتی متمایز میساخت، بلکه زن را همچنان به دو صنف: محترم و غیر محترم تقسیم میکرد. بقول "Lerner در کتاب The Origin of Patriarchy" مراد از زن محترم آن زنی بود که به یک مرد تعلق داشت (یا وابسته بود).

در میان آنتی ها و رومن ها جسم زن دارای نقصان و عیب بود که باید از انظار پنهان نگهداشته میشد. ارسطو را چنین نظر بود که "زن در واقع مرد ناقص است" (مفکوره ناقص العقل بودن زن از همینجا نشأت نمود). در روم قدیم زن محصور در داخل خانه بود و اجازه رفتن به بیرون را نداشت. بعد ها که رومن ها بر مصر و سوریه استیلا یافتند، چون در این جوامع ممانعتی در رفتن زنها به بیرون از خانه وجود نداشت، اما تحت قوانین جدید امپراطوری روم مکلف بودند تا سر تا پای وجود خود را بپوشانند؛ حتی برای آنکه دستهای شان دیده نشود، دستکش میپوشیدند. در صدر اسلام روپوشی زنان و جدایی زن و مرد در شام (سوریه) و فلسطین میان زنان اشراف عیسوی مروج بود. در زمان حیات پیامبر (ص) بعد از آنکه آیه احزاب نازل گردید تنها زنان پیامبر (ص) روپوشی بسر میکردند ولی زنان دیگر تا آن دوران روپوشی بسر نمیکردند. بتعبیر پروفیسر "لیلی احمد": "علت رواج و عمومیت روپوشی در میان زنان بدرستی واضح نیست. شاید فتوحات مناطقی که زنان اشراف در آنجا روپوشی بسر میکردند، یا هم تراکم سرمایه (از طریق مال غنیمت) که باعث بوجود آمدن یک طبقه جدید اشراف گردید، و یا هم تقلید از زنان پیامبر؛ باعث ترویج و عمومیت روپوشی در میان زنان گردید." اینک علت چی بوده باشد، اما مؤرخین متفق القول استند که روپوشی مظهر زنان متمول بود. آهسته آهسته روپوشی در میان اشراف و طبقه بالای جامعه عرب نیز رواج پیدا کرد.

در آغاز قرن بیستم جوامع اسلامی یکه از زیر بار استعمارگران اروپائی قد راست نمودند. رهبران جوان و کراماتیک این جوامع که قدرت و عظمت اروپائیان را از نزدیک تجربه نموده بودند، جهت همگامی با کاروان تمدن دست به یک سلسله ریفورم ها در داخل جوامع خود زدند (اکثراً شتابزده). یکی از این ریفورم ها رفع حجاب بود که چون موجی سراسر جوامع تازه آزاد شده اسلامی را از افریقا و مصر تا ترکیه، عراق، ایران، و افغانستان فراگرفت. اما چنانی که پروفیسر "لیلی احمد" در کتاب "انقلاب خاموش: برگشت دوباره اسلامگرایی و حجاب" مینگارد، در پایان همین قرن بیستم موج دوباره "حجاب" برگشت نمود که برای زنهای جوامع اسلامی بعد از یکقرن برگشت به همان نقطه است که از همانجا آغاز نموده بودند. پروفیسر "لیلی احمد" در کتاب خود علل برگشت مجدد حجاب را بر میشمرد که عمده ترین آنها: نقش عربستان سعودی در رشد افراطیت مذهبی، انقلاب ایران، تجاوز شوروی بر افغانستان... میدانند.

د پائو شمیره: له 1 تر3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خبر و لولی

بحث مذهبی حجاب:

کلمه حجاب یا مشتقات آن ۸ بار در قرآن ذکر گردیده است که ۵ بار به معنی "پرده و حائل" و یا هم "مانع" بکار رفته است و صرفاً یکبار بمفهوم "جلباب" (یا روپوش و یا نقاب) بکار رفته است (سوره احزاب). ذکر صرفاً یکبار کلمه "جلباب" در میان بیشتر از ۷۴۰۰۰ کلماتی که در قرآن موجود است، خودبخود بی اهمیت بودن این مسأله را نشان میدهد. در سوره احزاب آیه ۵۹ (که به آیه "جلباب" مشهور است)، خداوند خطاب به نبی کریم (ص) میفرماید که: "ای پیامبر بگو به زنان خود و دختران خود و زنان مسلمانان که فروگذارند بر خود چیزی از چادر های خود" (تفسیر کابلی). در باب تعریف "جلباب" آمده است که: چادر، مقنعه یا سر انداز، لباس یا جامه که سرتاسر بدن را بپوشاند. این عباس در تعریف "جلباب" میگوید که: "آن روسری زن باشد." سوره احزاب از جمله سوره های "مدنی" است (در مدینه نازل گردیده است) و در قسمت شأن نزول آن گفته شده است که زنان برای ادای نماز خفتن در مسجد پیامبر (ص) حاضر میشدند ولی موقع برگشتن به خانه مورد آزار و اذیت افراد اوباش و ولگرد قرار میگرفتند. خانمها از این بابت نزد رسول خدا (ص) شکایت بردند. چون تحقیق گردید، روشن شد که در مدینه در گذشته نیز همچو مزاحمت در برابر کنیزها مروج بوده است و اکنون عده به همین بهانه سبب آزار و اذیت زنان مسلمان میگرددند. وقتی که از این افراد ولگرد پرسان شد که چرا به خانمها مزاحمت میکنند، آنها پاسخ دادند که "ما نفهمیدیم که اینها زنان آزاد استند، ما فکر کردیم اینها کنیزکان استند." فلذا این آیت جهت تفکیک و تشخیص زنان مسلمان از کنیز و زنهای غیر مسلمان و مصئونیت آنها در برابر همچو مزاحمتها نازل گردید. بتعبیر مفسرین "به اینترتیب خداوند بهانه این افراد را برطرف نمود." به اینترتیب حتی بعد از نزول این آیت نیز حجاب بر کنیز واجب نگردد. خداوند در این آیت کدام لباس جدیدی را برای زنان حکم نمیکند، بلکه توصیه میکند تا از همان لباس (یا چادر) موجود خود چیزی را "فروگذارند." از این آیت پوشاندن روی واضح نمیکرد. اکثر مفسرین "جلباب" را لباس معنی کرده اند که بدینترتیب چنین برداشت استنباط میگردد که مطلب از "فروگذارند بر خود چیزی از چادر های خود" اینست که بدن خود را بپوشانند (نی روی خود را). چنانیکه از شأن نزول آیت روشن میگردد، این آیه تحت شرائط و در زمان خاص نازل گردیده بود که اکثر مفسرین در شرائط کنونی ضرورت آنرا مرفوع میدانند. آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور حدود حجاب را تعیین میکند و بعد از سوره احزاب نازل گردیده است. در این آیات ابتدا به مردان حکم شده تا "دیدگان خود را فروگذارند و عورت شانرا حفظ نمایند"، بعداً همین حکم برای زنان نیز گردیده است و اضافه میگردد که "ظاهر نکنند آرایش خود را مگر آنچه که ظاهر است و روسری های خود را بر گریبانهای خود بیاندازند." در این آیت به پوشیدن روی حکم نشده است و همچنان واضح میشود که تا اینزمان گریبان زنها پوشیده نبود (تصدیق آنچه که قبلاً در آیه جلباب ذکر آن گردید). در طول تاریخ و از زمانی که قرائت از قرآن "مردانه" گردید، بخش اول آیه (حکم بالای مردان) در حاشیه گذاشته شد و بخش دوم آن (حکم بالای زنان) در مرکز مباحث فقهی قرار گرفت.

گذشته از آنچه که در فوق ذکر گردید، فرمان طالبان اشکالاتی دارد که با تعالیم پیامبر اسلام (ص) در مغایرت قرار دارد: زمانی که پیامبر اسلام (ص) دعوت خود را در میان جامعه مکه آغاز نمود، دو گروه که بیشتر به این دعوت گرویدند و بیشترین قربانی ها را دادند، جوانان و زنان بودند. بعداً که اساس اولین اجتماع اسلامی در مدینه گذاشته شد، زنان به حقوق و آزادی های دست یافتند که در گذشته از آن محروم بودند. بقول پروفیسر "امینه ودود": "دعوت پیامبر اسلام اولین حرکت "فمینیستی" (دفاع از حقوق زن) در تاریخ بشریت بود." ۲ اما حرکت طالبان برعکس از همان آغاز "مرد محور" و "زن ستیز" است و طالبان تا امروز هیچ اقدامی را در جهت بهبود اوضاع عمومی زنان کشور انجام نداده اند. در نزد طالبان زن فتنه است که مرد باید از آسیب اش در امان باشد.

بحث سیاسی حجاب:

حجاب مانند دیگر پدیده های اجتماعی، در بستر زمان و متأثر از محیط و ماحول خود دستخوش تحولات و تبدلات بس عمیق گردیده است. تا قرن هژدهم که پای استعمار به سرزمینهای اسلامی باز نگردیده بود حجاب از کشمکش سیاسی بدور بود. با باز شدن پای استعمار گران اروپایی در مصر و سایر سرزمینهای عربی، حجاب در محراق مبارزه علیه استعمار قرار گرفت. در این دوران "شرقشناسان" Orientalist تئوری های برتری نژاد سفید بر ملت های شرقی را ارائه دادند و تا توانستند در تحقیر و تعجیز ملت های تحت استعمار دست یازیدند. یکی از این "شرقشناسان" مشهور که آثار زیادی در این مورد نوشته است، سفیر انگلیس در مصر Lord Cromer نامداشت. این شخص پسر کاکای Lord Northbrook و ایسرای هندوستان بود (که ما افغانها با نام و کارنامه هایش آشنا هستیم). "کرومر" قبل از سفارت مصر مدتی را نیز بحیث وزیر خارجه در دهلی ایفای وظیفه نموده بود. "کرومر" از منتقدان سرسخت حجاب بود و کتابی بنام "مصر نوین" نوشت که در آن شدیداً بر اسلام و حجاب تاخته است. در این کتاب "کرومر" پیشنهاد میکند که یگانه راهی که جوامع اسلامی میتوانند بسوی تمدن گام بردارند اینست که زنها از اسارت آزاد شوند ۳. در این کتاب حجاب نمایانگر اهانت به زن و نشاندهنده نقص اسلام گردید. به اینترتیب "کرومر" مسئولیت اروپائیان میدانست تا "تمدن را به مردمان غیر متمدن به ارمغان ببرند و زنان در بند را از قید مردان شان رها سازند." نویسنده معروف امریکائی-هندی تبار و مدافع حقوق زنها Gayatri Spivak سخن کنایه آمیزی دارد که: "مردان سفید آمده اند تا زنان گندمی رنگ را از سلطه مردان گندمی رنگ نجات دهند." استعمارگران

غربی در پی محور فرهنگ‌های بومی برآمدند و بالمقابل جوامع تحت استعمار در برابر نفوذ فرهنگی اروپائیان ایستادگی نمودند و هر چه محکمتر به ارزشهای فرهنگی خود چسبیدند. بتعبیر ژورنالیست انگلیس Polly Toynbee: "چادر درفش مبارزه گردید." حجاب که در طول تاریخ نماد هویت اسلامی نبود دفعاً مظهر هویت فرهنگی ملت‌های تحت استعمار گردید. زنها از الجزایر تا مصر و تا سرتاسر سرزمین‌های عرب حجاب بسر کردند ۴. به این ترتیب حجاب یک پدیده مذهبی نی بلکه به یک پدیده سیاسی میدل گردید. چنانی که در "بحث تاریخی حجاب" ذکر گردید، زمانی که در آغاز قرن بیستم رهبران جوان جوامع اسلامی برنامه‌های ریفورم را براه انداختند، مخالفین سیاسی این رهبران در مخالفت و ضدیت با این رفرم‌ها برخاستند و "حجاب" شمشیر بران در معرکه گردید.

بحث طالبانی حجاب:

چنانیکه در فوق دیده شد حجاب در طول تاریخ یا بدست شاهان و امرا بوده است، یا بدست متولیان دین، و یا هم بدست سیاستمداران؛ یکی آنرا نشانه اشرافیت خود دانست، یکی هم موهبت الهی، و دیگری حربه سیاسی علیه مخالفین؛ هر مردی بمیل خود خواست تا پارچه را بر سر و صورت زن بگذارد بدون آنکه خود زن در تعیین و انتخاب آن نقشی داشته بوده باشد. در کشوری که زنان بلا استثنا همه محجبه استند و ملت با فقر، بیکاری، و هزاران مشکل دیگر مواجه است؛ چنین فرمانی هیچ توجیه منطقی ندارد.

امروز بیشتر از هشتصد ملیون زن مسلمان در جهان وجود دارد که ۱۵۵ ملیون آن کار میکند و از آنجمله ۵۰ ملیون آن در ده سال اخیر شروع بکار کرده است؛ این تعداد یک افزایش ۳۰ درصدی را در یک دهه نشان میدهد. در بعضی کشور های اسلامی زنها بیشتر از ۳۱ درصد قوای کار را تشکیل میدهند. تعداد زنان مسلمانی که صرفاً در دهه گذشته شامل نیروی کار شده اند بیشتر از تعداد زنهای است که در پنجاه سال گذشته در امریکا شامل کار شده اند. اگر نیروی کار زنها در شرق میانه تا سال ۲۰۲۵ به همین شکل افزایش یابد، عاید خالص سرانه این کشور ها ۴۷ درصد افزایش خواهد یافت. امروز از محافظه کار ترین کشور های عربی تا قزاقستان، پاکستان، بنگلادیش، اندونیزیا، مالیزیا، ... در تلاش استند تا شرایط مناسب برای داخل شدن زنها در نیروی کار را فراهم کنند. امروز در اکثریت کشور های اسلامی (حتی کشور های بشدت سنتی چون عربستان سعودی) بیشترین شاگردان پوهنتونها را دختران جوان تشکیل میدهند. در ۲۵ سال آینده در کشور های اسلامی فیصدی مجموعی زنان شامل نیروی کار بیشتر از مردان خواهد بود. امروز جهان اسلام با پدیده **Womenomics** (اقتصاد زن محور) مواجه گردیده است، پدیده که "سعدیه زاهدی" از آن به نام "انقلاب خاموش" یاد میکند ۵. در دورانی که جهان اسلام با موج عظیمی از "انقلاب خاموش" مواجه است وضع چنین محدودیت ها بر زنان افغان کشور را هر چه بیشتر بسوی فقر و تباهی سوق خواهد داد که مسولیت آن به دوش طالبان خواهد بود. طالبان باید بدانند که یک کشور زمانی به آزادی واقعی سیاسی میرسد که دارای اقتصاد قوی باشد و یک کشور زمانی به رفاه اقتصادی میرسد که از تمام نیرو و استعداد های داخلی خود (زن و مرد) استفاده کند. یک کشور فقیر دست نگر خواهد بود و به حکم: "آنکه نان داد فرمان داد"، گوش به فرمان بیگانگان خواهد بود. اگر طالبان چنانی که ادعا میکنند، واقعاً در پی محور "فحشا" استند، پس بهتر آنکه بر ضد فقر مبارزه کنند. فقر عفت و عزت زن را در معرض دستبرد قرار میدهد که متأسفانه حجاب نیز پوششی برای آن فراهم خواهد نمود.

طارق ارسلائی – ایالت ورجینیا، امریکا

۱- A Quite Revolution

۲- Women in Quran

۳- جالب اینکه همین شخص "کرومر" در انگلستان رئیس کلوپ مردانه بود **Gentleman's Club** که هدف این کلوپ مردسالاری و مبارزه علیه تساوی حقوق زنان بود

۴- حتی بعد از واقعات یازدهم سپتامبر اکثر دختران جوان در کشورهای غربی جهت نشان دادن هویت شرقی خود و در اعتراض در برابر تبعیض و بیعدالتی، حجاب بسر نمودند

۵- **Fifty Million Rising** ارقامی که در اینجا ذکر گردید همه از همین کتاب گرفته شده است